ادامه از صفحه ۹

کاظم زنده دل، مدیر عامل موسسه خیریه سر طان انستیتو کانسر ایر ان در گفتو گوبا «شهروند»:

سونامی سرطان یستان در راه است

خیریه می تواند در زمینه پژوهش ایفا کند. آیــا پیــش از موسســه خیریه کانسـر کارهای خیریه پژوهشمحوری در حوزه سرطان در ایران وجود داشت؟

سای در ایران وجود داست: ما این چارچوب را در کشور نامشتیم و فکر کردیم اگر بنای موسسه خیریه را میتنی بر این بگذاریم، شاید این فر آیند شکل بگیرد. ما عضو موسسهای به نام UECC که یک «ان جی او» در اروپاست هستیم و درقالب انستیتو کانسر دوسال یک بار در کنگرههایشان شـرکت می کنیــم، آن هـم در راســتای برنامههایی درمــورد اینکه چگونــه برنامههــای کنترل و پیشگیری سـرطان اجرا شـود. درواقع دیگر بیا ایران در دنیا دلخواه نیست و همهچیز باید مبتنیبر اطلاعات و اثربخشی باشد. لذا بین مبنی کروهش، بخش لاینفک هر برنامهای بخش پژوهش، بخش لاینفک هر برنامهای است و ما بنای این موسسه را طوری گذاشتیم که پژوهـش و آموزش رکن اساســی باشــد و ابتــه درمان هم چیزی اســت که نمی توان از آن جدا شــد. همه اینها برای این اســت که رین : نتیجه بگیریم. درمــان زودرس و حتی درمان تســکینی بیماران فرصتی اســت که ارتباط ما با بیماران شروع می شود. مثل یک برنامه جامع کنترل سرطان که همه ابعاد را داراست؛ یعنی پیشگیری، تشخیص زودرس، درمان، مراقبتهای تسکینی و ثبت اطلاعات و فُکُر کردیم، با توجه به رسالتی کــه داریم و تیمی که در کنار هم قرار گرفته، موسســه را شکل داده و بنای موسسه را طوری قرار دهیم که در همه ایــن ابعاد وقوف پیــدا کند و همه اينها به مرور تحقق پيدا كند.

برای بخش درمانی چه اولویتبندیای داريد؟

ارید. چـون موسسـه در حال حاضر در انسـتیتو کانسر بخش درمانی را مستقر کرده ما بیشتر به نیازهایی که از سمت بیمارستان به موسسه اعلام می شود، تمرکز می کنیم که بخشی از آن تجهیز کردن بخش ها و توسعه فضاهاست. عملاماً به جُـای این که فقّط بــه بیمار کمک کنیم، فکر می کنیم که باید زیرســاخت ایجاد کنیے، اس برخی از خیرین دوست دارند به بیماران کمـک کنند و خب سا این را هم محـدود نکردیم. حتـی گاهی پول دسـتی ــه کردهایم، به به ما داده شــده که لباس تهیـ . بیماران داده شـده و نیازمندیهـای جانبی بیماران را رفیع می کند. لذا ایسن دفتر آماده است که هر کسی با هر رویگردی–البته اگر از ما بپرسند ما آنها را راهنمایی می کنیم که ر بېر اولويت ما چيست- بتواند بـراي حل بحران سـرطان گامي بردارد.امــا معتقدم خيلي هم نباید مردم را مُحَدود کرد چـون مهم این اسـت که به نیازها پاسخ داده شـود. اگر با ما مشورت شود که پاسیخ دریافت می کنند، در غیراین صورت با هر هدف و رویکردی پاسیخ خود را دریافت می کنند.

مُشَار کُتّهای مالی و خیرینی که کمک میکنند و اساسا منابع مالی شما به چه صور تی است؟ یک منابع مالی جــاری داریم کــه خیرین

ند که در انس**ــ**تیتو کانـ و کســانی هس ر سالهایسال کمـک کردهاند و بخشـی از منابـع بهصورت کمکـهای فــردی در اختیار موسسیه قبرار میگیبرد و خبرج بیمباران میشبود. ما شمارهحسبایی داریبم که اعلام کردهایسم، بعضی از مسردم عضوّنسد و ماهانه کمسک می کننسد و گاهی هسم در مسواردی هدایای خود را به موسسه میدهند. مواردی که ما بهطور مشــخص نیاز خود را مشـخص که ما بهطور مشــخص نیاز خود را مشـخص میکنیم، اینطور اسـت که با خیرین تماس گرفته میشود و آنها هم برای رفع نیاز مراجعه میکنند. یک بر ترقیق ۲٫۰٫۰ کاری در ۲۰ میکنند. یک برنامه آموزشــی هم داریم که با شــهرداری تهران با خانههایســلامت شروع کردیــم و داریــم «پایلــوت»ش میکنیم که با ارایــه آمــوزش و برنامههای پیشــگیری از سرطان می توانیسم عضو گیری هـم بکنیم و نهایتا گستره کار موسسه و هدایای مردم

را توسعه دهیم. بیشتر دنبال مدلی هستیم که یک جریان دایمی را برای موسسه ایجاد کند به جای این که منتظر باشیم کسی یک وقتی پیدا شود و کمکی به ما

ادامه از صفحه ۹| پس مجبور میشـویم امان دادن بـــه نيازهـ بــرای ســ از سےویی و مراجعات خبرين از سيوي ديگر، يەنوعى كار را مدیریت و چارچوببندی کنیم. بعد از این، مسأله اطلاعرســانی مطرح است که خودش ساله اطلاح رسانی مطوح است که خودش یک نیساز است و چار بویدهای خـودش را می خواهد شـــقاف کردن قرار ندهاه زیازهای آن بـه مـردم مرد جا رجوی کمک به بیاست. و تجهیز بیمارستان، ساختاری می خواهد که مهورا مادر طرفتهمای دولتی نمی توانیم سایخ تسایی دیاشد. ساختاری می خواهد که سایخ تسایی دیاشد بیاشد بیان پاسخ مناس

از سـرطان در کشـور ما چقـدر اهمیت دارد؟ مـا اساسـا آموزشـی در زمینـه پیشگیری در کشور داریم؟

بزرگترین، قدیمیتریسن و مرجعترین مراکز برر سرین هدینی تریس و مرعم زین مرا مر تحقیقاتی کشور در زمینه سرطان هستیم و مرتب روی اطلاعات بیماران تحقیق و تحلیل می کنیم کار دیگری به غیر از درمان باید برای مردم صورت بگیرد. مکار به طور میانگین ما مردم صورت می مرد می می بینیم بیمارانی که برای درمان سرطان سر و گردن مراجعه می کننـد، ۳ تا ۴ ماه با تأخیر مراجعه می کنند و این یعنی گران شدن در مان و جواب ندادن بــه درمان و درنهایــت از بین رفتن بیمار. ما در تحقیقات خود به این نتیجه می سیم که یک اتفاقی در این جامعه در حال وقوع است. زنانی که در ۵۰ سالگی هستند و فرزند کمتر دارند و دیرتر از دواج کردهاند، در معرض خطر ابتلابه سرطان پستان قرار دارند؛ به نظرم ما در ۱۰تا ۱۵سـال آینده با افزایش جدی سرطان پستان مواجه خواهیم بود. این را در قالب یک برنامه در آوردن و آموزشدادن وُ مردم را آگاه کردن، وظْایَفُی است کَه وزارت بهداشت دارد ولی باید بپذیریم که آنقدر این

کنیم، خواه مردم گوش کنند یا نکنند. خیلی مهم است که جریان اطلاعات در بین مردم ونق پیدا کند. یک معضل دیگری که وجود را ہے۔ دارد، این است که اگر یک مرکز علمی این کار را نکند، آنوقت مردم آموزش های اشتباه می بینند که خود عوارضی در پی دارد. لذا دارا بودن اطلاعات دقیق از سرطان و اولویت بندی وُ این که مشکلات از کُجا سرچشمه می گیرد. ما را به سمتی سوق می دهد که برای کمک به مردم جهت توانمندسازی آنها، باید یک مركز علمى داشته باشيم و اين مركز بايد نقش كليدى ايفا كند. لذا اين خيريه وقتى حدود یکسال و نیم پیش تشکیل شد، دریافتیم که نمی شود فقط به صورت سنتی به مسأله درمان بپردازیم. براساس مصوبه هیاتمدیره هم ۶۰درصـداز فعالیتهـا و عواید خیریه به آمـوزش و پژوهـش اختصاص پیــدا میکند و فقط ۴۰ درصد به درمان-البته درمان هدفمند-اختصاص می یابد. بحث پژوهش هم به همين صورت است. ما مي دانيم كه محدوديت هاى مالى وجمود دارد و به خيلى از ســوالات بايد پاســخ دهيم و بخشــى از آن را مراکــز تحقیقاتی کشــور انجــام میدهند. اما تجربـه دنیا نشــان داده که زمانــی دیگر

fondancy سوئد. محققان سالانه منتظرند ، تا این موسسه اقدام به پژوهـش کند و در

که چه کارهایی انجام شــود و چه کارهایی انجام نشود. در اصل به محقق کمک ارايـه دهد و اينهـا نقشهاي کُاربردی است که یک موس

حوزه وسیع است که نمی توان توانمندی های خود مردم را نادیده گرفت. ما نمی توانیم همه چینز را یکطرفه دیکته

این زمینه بودجه می گیرند و روی آن کار می کنند. موسسه خیر به مشکلات جامعه را

میکند و فکرش را به سمت مشیکلاتی کیه در آن جامعه

جامعه توانمند

مرحله شکوفایی میرسیم. در حقیقت توانمندترین فرد کسی است که به درجه شــکوفایی رســیده و مانند گلی که میشــکفد، انســانیت او نیز شکوفا

م میشود و طعم و رنگ و بوی یک آنسان توانمند را پیدا می کند. به گمان من وقتی ما در آمارهایمان

،" ازدرصد بالای مردم زیر خــط فقر صحبت میکنیم یعنی این که این افراد در مرحله تأمین نیازهای اولیه

خود قرار دارند در نتیجه تمام زمان و تلاش شــان

را صرف رفع این نیاز میکنند و جایی برای تأمین نیازهای دیگر نمیماند. خوشبختانه در کشورما نیاز

امنیت تأمین است چون ما در مقایسه با کشُورهای دیگر کمتر با تجـاوز و زور گویی و قتـل و... روبهرو

هستیم. درواقع نمی گوییم بهطور صددرصد ولی در حد قابــل قبولی ما از امنیــت برخورداریم. این یک

سوی ماجراست اما سوی دیگرش این است که مثلا کسانی که زیر خط فقر قرار دارند درواقع چون تعلق گروهی ندارند، وقتی به آنها گفته شود در خیابانها

زباله نریزید در پاسیخ می گویند خیابان به ما تعلق

. دارد! این افراد حتی زمانی کـه میخواهند ازدواج

کنند دوست داشتن شان هم در رابطه با نیاز هایشان

شــكل مىگيرد؛ بەعنوان مثال خانم يا آقايى از اين

بن نــوع دوسنا

یاد هم ندار د.

آشتي باجهان، آشتي باخود

ئسروه در انتخاب همسسر خود می گویسد این فر د را

ین نوع دوسته است نهیم ریسه در بهرانای فیزیولوژیکی فرد دارد. ما حتی به لحاظ روانی نیز در شــرایطی قرار داریم که افراد سالم شکوفا در جامعه ما بســیار محدود و انگشت شــمار خواهند بود. در

احادیث اسلامی آمدہ است، کسی که معیشت ندارد

خود جهان ایـدهآل از پس آرامـش و تامل آن رخ

مینمبود. آری، گاهی جهان ایدهآل ایستادن و حرکتنکردن به پیش است. گاهی برای رسیدن به

حر عصرون به پیش سف عمی بری رسیدن به جهان بهتر، باید شتاب را فراموش کرد. جهان بهتر از نگاه من، جهانی است که در آن می توان فکر کرد، اندیشید، خواند، گفت و لذت برد. جهانی که حرص،

خونخواهی و قدرتجویی در آن مرده باشد، زیرا که

اری، آدمـی برای رسـیدن به جهان بهتر سـعی آری، آدمـی برای رسـیدن به جهان بهتر سـعی بســیار کرده و در انــدک زمینههایی نیــز به آنچه

میخواسته رسیده است اما در همین حال، از یاد برده که زندگی و زیستن در جهان، همه این نیست.

درون خود صرفنظر کرده است، یا به تعبیری دیگر

رور جهان» جست. آشتی با جهان همان مفهوم آشنای دوستی با مادر طبیعت و انگاره توسعه پایدار را به یاد میآورد. توسعه فکری، توسعه فرهنگی، توسعه

: زیست،محیطی و توسعه در درون، توسعه درون از این روی مهم است که باید به یاد داشته باشیم

در مفهوم «آشـــتی با خود» خلق میشود؛ مفهومی که میتواند در پس خود جهان بهتر را نه در «مثل»

افلاطونی که در همین امروز به پیدایی آورد.

. م همیشگی و میلیونساله ما برای رسیدن به آرامش و دوستی با همنوع و دوستی با طبیعت بوده است، نه دشـمنی و کینه توزی و مال اندوزی، همان مفاهیم اخلاقی اولیه که در همـه آیین ها از آن یاد میشود، در همین مفهوم آشتی با جهان و شاید هم

ب این پیشـرفت، از جهـان بهتر

روں ت. شاید از همیر

یدن به آنچــه خود در درون داشــته، رنج

و برد بهان را مست مست می و برد بهارت «آشتی با

مرگ، در کمین همهچیز است.

کُشیدہ و گرد جهان را گشتّه اس

آدمی، برای کس

بر ای ر س

رو اس

ـت دارم چون مرا حمّایـَت می کند در حقیقت ـوع دوستداشــتن تنهــا ریشــه در نیازهای

ه در[°] نیازهای

جهان بهتر

سخُ مناسبی بر ایش پیدا کنیمٌ. تحقیقات در حوزه سرطان و پیشگیری

ما قطت علممي كشمور همستي

ایــن مراکز کــم می آیند و موسســات خیریه می توانند نقش کاربردی ایفا کنند. شاید بزرگترین موسسات مالی در زمینه سرطان براساس خیریه بنا شدهاند، مثلا cancer یا cancer UK

بررسی می کند و به محققان مسیر می دهد است، هدایت میکند، پس او سعی میکند، تحقیقات مفید انجام داده و نتایج خوبی توانمندي وضرورت رفع نيازهاي فردو جامعه

اسلمه مراتی هستند، یعنی تا زمانی که نیازهای آدمی به این تعلق رسید نوبت، به نیازهای عاطفی ما تأمین نشـوند حتی ممکن است ما بـه امنیت می رسد نیاز به دوست ذاشت و دوست ذاشته شدن خود هم بی توجه باشـیم، مانند کـسانی که با علم اگر نیازهای قبلی که نام بردیم درست تأمین شوند به این که احتیال خطی و زیر آوار ماندشان است دوست داشت. و دوست داشته شدن زنگروبوی امانان در معنی کارم کار تحر د تألین آنه است می می این م اما باز در معدن کار می کنند چُون در تأمین نیازهای فيزيولوژيک خود موفق نبودهاند. بعدداز نيازهاي فيزيولوژيک نوبت به احس

مصطفىتبريزى

جامعه توانمند، جامعهای اســت کــه در آن تمام

ستعدادهای فردی و اجتماعی شـکوفا شود. برای

تحقق چنین شکوفایی باید نیازهای افراد و سیستم اجتماعی تأمین شـود. نیـاز افراد شـامل نیازهای

. زیستی، امنیت، احساس همدلی – نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شـدن – و همچنین شوق

دانس و دوست دست صفری و موسین موه و عشق به آزادی و رشت علمی و کشف از های طبعت می شود. اگر این نیازها تعقق یابند افراد جامعه توانمند می شود. مسألهای که در سیستم اجتماعی مهم است در وهاه اول دانش یک فرهنگ

متعالى و شكوفاسـت. فرهنگى كه با گذشـت زمان

و تحـولات تاریخی بخشهای پویـا و عمیق خود را حفظ کند و بخشهایی که برای رشـد و ارتقا لازم

حفظ نند و بحشهایی فیرای رشند و ارمنا لازم است را تغییر دهد.این رشند فرهنگی در تعامل با رشد اقتصادی است و در تعامل با بهناشت روانی و - سهی است. برای هر کنام از این عنوان هایی که گفته شند می توان مقوله وسیعی گشود و درباره آن صحبت کنرد، به عنوان مثال در یکسی از نظر بدهای

مطـرح جهانی به نــام نظریه انگیــزش، وقتی روی انســانها تحقیــق می کنیــم، متوجه میشــویم تا

زمانی که نیاز هـای فیزیولوژیک آنهـا (نیاز به آب،

فذا و سـريناه) تأمين نباشد سـاير انگيزهها در آنها

تولید نمی شود. به عنوان مثال وقتی فر دی در بیابان

یعنی این که این افراد در مرحله تأمین نیازهای اولیه خود قرار دارند در نتیجه تمام زمان و تلاششان را صرف رفع این نیاز می کنند و جایی برای تأمین نیازهای دیگر نمیماند

دریکی از نظریه های مطرح جهانی به نام نظریه انگیزش، وقتی روی انسان ها تحقیق می کنیم، متوجه می شویم تا زمانی که نیازهای فیزیولوژیک آنها (نیاز به آب، غذاو سر پناه) تأمین نباشد سایر انگیزه ها در آنها تولید نمی شود

معُنوى به خسود مي گيرد درحالي كه اگر نيازهاي قبلی درست تأمین نشده باشند اگر ما احساس عشق هم کنیم این احساس عشق، ریشه در نیازهای قبلی دارد. اگر نیاز عاطفی ما نیز برطرف شود نوبت بی رو رو بر می مرد رو . به نیاز کشف زیبایی های طبیعت می رسد؛ کشف رازهای طبیعت. در این مرحله ما عاشق فهمیدن و دانايي مي شويم و بعد از طي درست اين مرحله ما به

ما در آمارهایمان از درصد بالای مردم زیر خط فقر صحبت می کنیم

. . .







64



دربــاره جهان ایــدهآل ســخن بســيار گفتهاند اما به راستی این عالم دیگے و این آدم نے - به تعبیر خواجه شیراز – به چه مفهومی اشاره دارد؟ بیشک علاقه اذهان آدمیان به جهان ایــدهآل از نارضایتی انها از وضع موجود پدید می آید. شاید عدم رضایت آنها از وضع موجود پدید می آید. شاید عدم رضایت و قومش جلوه گر شده، ناشی از آن است که به نقل ان کار می است. ز زکتاب سای مقدس، آدمیی را از رنیج آفریدهاند سرشت عدم رضایت، همان سرشتی است که تمدن را بنیان گذاشته و آدمیان را از غارها به سوی برجها رهنمون شده است اما همه داستان، به همین حرکت خطی و پیشـرفت تکنولوژیکی ختم نمیشود. گاهی برای رســیدن به ایدهآل، آدمی به ت سے نگاہ می کند و نوستالڑی عمیق او، دوبار ہ به این مریماید و دلش هوای غارها و نقشهای آن را می کند. شاید حس رنج و دلتنگی، ما را تا به حداين پيشرفت رسانده باشد اما يادمان رفته سر عد ین پیشر دن رسمه به مصد مد یا درد. برای رسیدن به ایدهآل گاهی باید تامل کرد. گاھی باید صبر پیشته کرد تا جهان، خود ایده آل هایش را به ما بنمایاند. جهان ایده آل، همیشته در پیشرفت و گریز از رنج موجود نیست، گاهی جهان ایده آل، نشستن بر لب جوی و دیدن گذر عمر است. شاید اگر ایــن نگاه غیرخطــی از حافظ شــیراز به اذهان جهّان سرایت می کرد، امرُوز نه کشــتارُی بود و نه منفعتی از کشــتار. اگر نگرش خیامــی به گذر عمر و دم غنیمت آن در جهّان امروز ما جاری میشــد،





من المراجع المناب ٢٢ ارديبهشت ١٣٩٢ | سال سوم | شماره ٥٢٣ | ارتباط با گروه طرح نو: Tarheno@shahrvand-newspaper.ir